



تاکتیک‌های کلیدی روح‌الله(ره)/ رهبری که می‌دانست «ما پیروزیم»

هشت سال دفاع مقدس اگرچه با «تحمیل» آغاز شد اما هدایت و اتمامش حاصل «تحلیل‌های» داهیانه مردی بود که از همان ابتدا هم می‌دانست «ما پیروزیم».

هشت سال دفاع مقدس اگرچه با «تحمیل» آغاز شد اما هدایت و اتمامش حاصل «تحلیل‌های» داهیانه مردی بود که از همان ابتدا هم می‌دانست «ما پیروزیم».

خبرگزاری مهر: ۳۱ شهریور ماه ۵۹ کمتر از دو ماه از کشف کودتای نوژه گذشته بود که جنگنده‌های عراقی بر فراز آسمان ایران سایه انداختند.

فرودگاه‌ها و پایگاه‌های هوایی ایران نخستین و اصلی‌ترین اهداف بمباران این جنگنده‌ها بود و همین هدف‌گیری سبب شد بسیاری از مردم تصور کنند کودتای دیگری در شرف وقوع است؛ واقعیت اما چیز دیگری بود.

این‌بار دشمن نه با تکیه بر فریب‌کاری وادادگان داخلی که با استمداد از دشمنان بیرونی در برابر جمهوری نوپای اسلامی به میدان آمد و جنگی را به ایرانیان تحمیل کرد که سرنوشت آن مسیر تاریخ را تغییر داد. مقاومت هشت ساله ملت مسلمان ایران مهر تمدیدی بی‌مدت بود بر پای سند تولد یک جمهوری متفاوت در جهان؛ «جمهوری اسلامی ایران».

حالا دیگر سال‌ها است که ۳۱ شهریور برای مردم ایران بیش از تلخی جنگ یادآور حلاوت حماسه است. ریشه‌های این طعم شیرین را اگر در تاریخ رصد کنیم به یک نام می‌رسیم: روح‌الله الموسوی‌الخمینی(ره). پایه گذار بزرگترین نهضت انقلابی تاریخ که توانست با ایمان و استدلال، اجازه تاریخ‌نگاری جنگ هشت‌ساله را از عراق سلب کند؛ قرار شد تاریخ این سال‌ها را هم کشور «پیروز» ثبت کند.

آنچه در آستانه ۳۱ شهریور ۹۴ به بازخوانی گذاشته‌ایم تلاشی است برای پاسخ به یک سوال؛ تاکتیک‌های کلیدی امام خمینی(ره) در رهبری دفاع مقدس چه بود؟ سوالی که قطعا دایره پاسخ‌های آن گسترده‌تر از ۵ گذاره‌ای است که متناسب با حوصله این گزارش به آن پرداخته‌ایم اما هر گوشه آن مملو از آموزه‌هایی ماندگار و فراموش‌نشدنی است.

تاکتیک اول؛ تثبیت و آرامش

«پس نیروهای نظامی ما کجا هستند؟» درست در روزهایی که برخی نمایندگان مجلس اینگونه از تریبون خانه ملت فریاد می‌زدند تا شاید کسی به فکر حل بحران حمله جنگنده‌های عراقی به ایران شود، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس به دیدار امام خمینی(ره) رفت.

روایت هاشمی رفسنجانی از این دیدار که در کتاب «انقلاب در بحران» آن را ثبت کرده شامل یک نقل قول کلیدی است: آیت الله خمینی(ره) آرام و مطمئن بودند و می‌گفتند «صدام مرگ خود را نزدیک کرد.» و آنقدر نیرومند و مصمم این را گفت که رئیس مجلس هم روحیه گرفت.

این خلاصه همان رویکردی بود که امام(ره) در نخستین مواجهه با اخبار داغ هجوم نیروهای عراق به ایران در پیش گرفته بودند. رویکردی که با صدور پیام مشهور ایشان همزمان با آغاز سال تحصیلی، آب سردی بر آتش اضطراب تمام ایران ریخت؛ «مردم فکر نکنند دولت و ارتش ما نمی‌تواند جواب عراقی‌ها را بدهد. هر وقت لازم باشد پیامی به مردم می‌دهم و به صدام و کسانی که مثل او هستند ثابت می‌کنیم که نوکران آمریکا چیزی نیستند. مردم ایران نباید دست و پای خودشان را گم کنند. اگر مسئله جدی شد دستور می‌دهم عراق را سر جایش بنشانند. دزدی آمده سگی انداخته و فرار کرده است.» (صحیفه امام جلد ۱۳ صفحه ۲۲۲)

تاکتیک دوم؛ تقویت باور و ایمان

این یک واقعیت است که بر روی کاغذ و متناسب با محاسبات نظامی و منطقی، ایران هیچ شانس برای مقابله با ارتش عراق به خصوص در سال‌های نخست جنگ نداشت و این مسئله‌ای بود که آرامش در مواجهه با آن تنها از عهده «یومنون بالغیب» برمی‌آمد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب، در خاطرات شفاهی خود که در سال ۷۷ و در قالب برنامه تلویزیونی روایت فتح آن را ثبت کردند اشاره جالبی به یک نشست تاریخی و پیام‌رسانی جالب داشتند؛ «در روزهای سوم و چهارم جنگ بود. در اتاق جنگ ستاد مشترک همه جمع بودیم ... مسئولان کشور، رئیس جمهور، نخست وزیر... بحث می‌کردیم، مشورت می‌کردیم. نظامی‌ها هم بودند. یکی از نظامی‌ها آمد کنار من گفت: دوستان در اتاق دیگر کار خصوصی با شما دارند. من بلند شدم رفتم پیش آنها. مرحوم فکوری بود، مرحوم فلاحتی بود. اینهایی که یادام است. نشستیم. گفتیم کارتان چیست؟ گفتند: ببینید آقا! کاغذی درآوردند. این کاغذ را من عینا دارم و توی یادداشت‌ها نگه داشته‌ام که خط آن برادران عزیز ما بود. گفتند هواپیماهای ما این‌ها است.... انواع هواپیماها بود. نوشته بودند از این نوع هواپیماها مثلا ما ده تا آماده به کار داریم که تا فلان روز آمادگی‌اش تمام می‌شود...»

مقام معظم رهبری در ادامه روایت خود افزودند: «گفتند آقا وضع جنگ ما این است. شما بروید به امام(ره) بگویید. من هم از

شما چه پنهان توی دلم قدری خالی شد. گفتیم واقعا هواپیما نباشد چه کار کنیم. او (صدام) دارد با هواپیماهای روسی مدام می‌آید... گفتیم خیلی خوب! کاغذ را گرفتیم. بردم خدمت آقا در جماران و گفتیم آقا این آقایان فرماندهان ما هستند و ما دار و ندار نظامی‌مان دست این‌ها است... (حالا نقل به مضمون می‌کنم و عین عبارت ایشان خاطرم نیست. حتما جایی عین آن را ثبت کرده‌ام) ایشان گفتند این حرف‌ها چیست؟ شما بگویید بروند بکنند، خدا می‌رساند، درست می‌کند، هیچ طوری نمی‌شود.

رهبر انقلاب ادامه دادند: «منطقا حرف امام(ره) برای من قانع‌کننده نبود، چون امام(ره) که متخصص هواپیما نبود. اما به حقانیت ایشان و روشنایی دل و حمایت خدا از او اعتقاد داشتم و می‌دانستم خدای متعال این مرد را برای کاری بزرگ برانگیخته و او را وادار خواهد گذاشت. به این عقیده داشتم و لذا دلم قرص شد. همان هواپیماهایی که قرار بود بعد از پنج با شش روز به کلی از کار بیفتند، هنوز هم دارد در نیروی هوایی ما کار می‌کند! ۱۴ سال از سال ۵۹ می‌گذرد؛ هنوز دارند کار می‌کنند.» (مصاحبه با برنامه روایت فتح. ۲۳ مرداد ۷۳)

تاکتیک سوم؛ تقویت شجاعت

احتمالا با همان محاسبات مبتنی بر ایمان بود که امام(ره) هیچگاه و در برابر هیچ شیطنتی صحنه را خالی نگذاشتند و اجازه ندادند واهمه و تردیدی در دل ملت خانه کند.

طبق اسناد تاریخی عراق در مقطعی از جنگ برای تضعیف روحیه ایرانی‌ها شایعه کرد که امام خمینی(ره) «کشته شده‌است» و در رسانه‌های‌شان گفتند: «رژیم با جعل بیانیه از او سعی در پنهان کردن مرگ [امام] خمینی(ره) دارد. اگر رادیو تلویزیون ایران راست می‌گوید که [امام] خمینی(ره) نمرده است چرا او را نشان نمی‌دهد؟ حال بگذار بهشتی برای گول زدن مردم صدای [امام] خمینی را تقلید کند!»

در واکنش به این جوسازی رسانه‌ای اما خیلی زود امام(ره) پیامی رادیو تلویزیونی منتشر کردند و گفتند: «دو سه ساعت قبل یک صدایی در بالای آسمان پیدا شد و از راه‌های مختلف اظهار نگرانی کردند(!) در صورتی که مسئله‌ای نبود که نگرانی داشته باشد. ما قوی هستیم و قدرتمند هستیم و بر آن‌ها غلبه خواهیم کرد. ملت ایران باید از این طور مسائل هیچ نترسد... من از ملت بزرگ ایران خواهانم که در هر مسئله‌ای که پیش می‌آید قوی باشند، قدرتمند باشند. متکی به خدای تبارک و تعالی باشند و از هیچ چیز باک نداشته باشند. ما از آن قدرت‌های بزرگ نترسیدیم، این که قدرتی ندارد. عراق که چیزی نیست... ما متکی به خدا هستیم و با اتکا به خدا از هیچ چیز ترسی نداریم و شما ملت عزیز مجتمع باشید، مصمم باشید و از هیچ چیز هراس نداشته باشید؛ که هراسی هم نیست.» (صحیفه امام جلد ۱۳ ص ۲۳۲)

تاکتیک چهارم؛ اشراف و آگاهی

علاوه بر ایمان و شجاعت اما ویژگی غالباً مغفول امام خمینی(ره) اشراف عجیب ایشان بر واقعیت‌ها و تحولات میدانی بود. باز هم اجازه دهید بخشی از خاطرات شفاهی رهبر انقلاب در گفتگو با برنامه روایت فتح را مرور کنیم: «در یکی از روزهای هفته‌های ابتدایی جنگ امام(ره) به من گفتند که «چند تفنگ داریم؟ این را شما تحقیق کنید و به من بگویید.» من فوراً همه برادران فرمانده را جمع کردم و گفتم که حضرت امام(ره) فرموده‌اند مشخص کنید که ما چند تفنگ داریم؟ آنها هم گفتند باشد. فوراً به همه جا اعلام شد و عددی از همه جا جمع کردند و به من گفتند اگر آن را به شما بگوییم از تعجب خنده‌تان می‌گیرد. من هم قبول کردم چون به نظرم عدد زیادی بود.»

رهبر انقلاب در ادامه خاطره خود می‌افزایند: «من به خدمت امام(ره) آمدم و گفتم این فهرست تفنگ‌ها است؛ اینقدر در نیروی زمینی است، اینقدر در نیروی هوایی و اینقدر در کجا و کجا... بعد که آن را برای امام(ره) خواندم ایشان تأملی کردند و با لحن بسیار خاطرمی‌گفتند؛ خیلی بیش از این‌ها است. من تعجب کردم که چطور حضرت امام(ره) با این نفس گرم می‌گویند خیلی بیش از این‌ها است؟! بعد امام(ره) از حرف تفنگ خارج شدند و گفتند که بدانید اسلحه و مهماتی که در کشور از پیش ذخیره شده برای مقابله با کشوری مانند روسیه، جایی تعبیه شده و خیلی بیش از این حرف‌ها ما سلاح و مهمات داریم. بروید بگردید و پیدا کنید. بعدها که گشتیم و چیزهایی پیدا کردیم که فرماندهان هم از وجود آن بی‌خبر بودند.» (مصاحبه با روایت فتح ۲۳ مرداد ۷۳)

تاکتیک پنجم؛ آینده‌نگری

در همان سال‌های آغاز جنگ، صدام متوجه اشتباه تاریخی خود شد و سعی کرد با پیشنهاد آتش بس جلوی سقوط بیشتر خود و حزب بعث را بگیرد. پیشنهادی که با قاطعیت از سوی امام خمینی(ره) رد شد. امام(ره) مردم ایران را برای جنگی طولانی آماده می‌کردند: «ما هم صبر داریم و هم حوصله. ما سال‌ها است که زیر بار مصائب بوده‌ایم و به زحمت کشیدن عادت داریم. حالا که استقلال پیدا کرده‌ایم ۲۰ سال هم این جنگ طول بکشد ما ایستاده‌ایم.»

امام خمینی(ره) با آینده‌نگری ویژه خود گویی از همان روزها می‌دانستند که قرار است تا سال‌ها ایرانیان به بهانه سالگرد جنگ تحمیلی، جشن حماسه بگیرند و اینگونه بود که زیر بار هر پایان‌بندی‌ای برای این نبرد تحمیلی نرفتند.

امام(ره) بارها از شرایط ایران برای پایان جنگ گفته بودند. صحبت از این شرایط و کیفیت تحقق آن در مسیر قبول قطعنامه ۵۹۸ حکایتی طولانی است و در مقاطع زمانی دیگر باید به آن پرداخت اما در مقام مرور بخش‌هایی از سخنان امام خمینی(ره) در جمع فرماندهان ارتش در سال‌های پایانی جنگ را در پایان این گزارش می‌آوریم: «از اولی که این جنگ شروع شد تا حالا، چه آن روز که صدام کوس قادسیه برای خودش می‌زد و چه امروز که دیگر اسمی از او نیست و رفته‌است آنجا که خدا می‌داند،

ما مسائلی داشته‌ایم که یکی بوده... ما از اول می‌گفتیم شما ریختید در منزل ما در شهرهای ما در کشور ما حمله کردید، غافلگیرانه وارد شدید در کشور ما و آن همه خرابی کردید و جرم کردید؛ آن همه کشتار کردید. باید بروید بیرون. یکی از شرایط ما این است که بروید بیرون... مسئله دوم مسئله خسارت‌هایی است که وارد کردند. قضیه جبران خسارت یک جهت مادی دارد یک جهت سیاسی و معنوی... مجرم باید معلوم بشود کیست.» (صحیفه امام جلد ۱۳ ص ۳۱۶)

* در تدوین این گزارش از دایره المعارف مصور تاریخ زندگی امام خمینی (ره) به قلم جعفر شیرعلی نیا (نشر سایان) بهره گرفته شده‌است.